

آذری جهرمی:

عدم حضور در انتخابات، یعنی مُردن!

وزیر ارتباطات نوشت: ممکن است شیوه رقابت، مثل مسابقه فوتبال ایران و بحرین باشد، حتی به سرود ملی شما توهین کنند اما این دلیلی به کنار کشیدن نیست. ما زندگی می‌خواهیم و برای زندگی است که می‌مانیم، می‌جنگیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، آذری جهرمی در طی یادداشتی با عنوان «لحظه درنگ، بدون پرده‌پوشی!» در مورد انتخابات در کانال تلگرامی خود نوشت:

انگار کنید گروهی از دوستان دبیرستانی را که تصمیم می‌گیرند؛ فردا صبح همگی با سرهای تراشیده به مدرسه بروند. عصر اما همه دچار تردید می‌شوند. مساله این است اگر من سرم را از ته بتراشم و مابقی این کار رو نکنند تا چه حد مسخره دیگران می‌شوم و فردی ساده‌لوح شناخته می‌شوم؛ و البته سوی دیگر مساله این است: اگر همه سرشان را از ته بزنند و من صبح با مو بروم، به عنوان یک خائن طرد خواهم شد.

این مساله یک مساله همیشگی در زندگی اجتماعی است. مساله‌ای که به عنوان یکی از بازی‌ها پارادوکسیکال شناخته می‌شود. در حقیقت تنها رفتار من نیست که تکلیف من و جمع را مشخص می‌کند؛ بلکه ترکیب تصمیم من و دیگران است که آینده را مشخص می‌کند و در این آینده هم من و هم دیگران تشویق می‌شویم یا مورد طعن قرار می‌گیریم. تصمیمی جمعی برای فردای فردی!

امروز مساله انتخابات در ایران هم همین بازی است. گروه زیادی از بازیگران همیشگی عرصه سیاست، ناامیدتر از هر زمان دیگر، تصمیم خود را گرفته‌اند. قهر، بازی نکردن و مردن!

اما می‌توان روز ۲۹ خرداد را در دو سناریو مختلف جستجو کرد. در سناریوی اول تنها برخی در انتخابات مشارکت داشته‌اند و البته این همان وضعیتی است که طعن تحریم‌کنندگان و قهرکنندگان با انتخابات سرازیر می‌شود بر سر آن کس و کسانی که تشویق به انتخابات داشته‌اند(همان تعداد محدود که سر تراشیدن و آمدند؛) از همان جمله‌های همیشگی «ما که می‌دونستم …» و لبخندی تحقیرآمیز که گفتیم! (مردن و بازی نکردن را ترجیح می‌دهند به داشتن این لبخند!)

اما در سناریوی دوم که در آن همه آن دانش‌آموزان با سرهای تراشیده آمده‌اند تا اعلام حضور باشد برای خواسته‌ای؛ صبح ۲۹ خرداد رای‌ها نشان‌دهنده اعلام یک خواست جمعی‌ست. در آن سناریوست که عدم مشارکت می‌شود طعن کسانی که به هر دلیلی پا پس کشیدند؛ حتی اگر هم‌دلانه همه آن قهرهایشان را بپذیریم.

راستش نه طعن تنها ماندن سناریوی نخست دردآور است و نه ترس چالش دوم برای خائن بودن یا نبودن. زندگی‌کردن آن قدر ارزش دارد که برایش تلاش کرد و این تلاش برای زندگی‌کردن، خودش زندگی‌کردن است.

به عبارت دیگر تیمی که بازی می‌کند؛ زنده است، زندگی می‌کند و زندگی می‌بخشد. بیش از برد، تلاش برای بردن است، که زنده‌گی را می‌سازد؛ تلاشی با شکوه برای بودن، برای ساختن.

آن تیمی که از ترس باخت، بازی نکند؛ تیمی مرده خواهد بود. اگر من بترسم برای آن‌که تنها نمانم؛ در حقیقت من مرده‌ام. تیم مرده حتی برای زنده ماندن هم انگیزه‌ای ندارد، چه بماند برای زندگی کردن!

سخن گفتن با هزینه-منفعت سیاسی در این روزها انتخاب ساده است. توصیه سیاست و سیاسیون در کوتاه‌مدت قهر است و حرف نزدن از مشارکت. اما به احترام زندگی کردن و به احترام تلاش برای زندگی که به اندازه زندگی شورانگیز است؛ به احترام زندگی، به احزاب و گروه‌های محترم سیاسی باید چنین گفت:

ممکن است شیوه رقابت، مثل مسابقه فوتبال ایران و بحرین باشد، حتی به سرود ملی شما توهین کنند اما این دلیلی به کنار کشیدن نیست. ما زندگی می‌خواهیم و برای زندگی است که می‌مانیم، می‌جنگیم؛ حتی اگر داورها یک‌سویه باشد، حتی اگر به ما توهین شود. زندگی ما از همین بازی کردن‌هاست، از همین جنگیدن‌ها. ترسیدن، مردن و بازی نکردن؛ کار پیرمردهاست …

به‌جای بازی نکردن و مردن، بازی کنیم، تلاش کنیم برای برد؛ که زندگی لحظه بازی ماست.

آینده روشن آمدنی و ساختنی‌ست …

